

حقوق شهروندی در جامعه امروزی

شهروند، مفهومی حقوقی است که در مباحث حوزه‌های حقوقی عمومی و حقوق بشر مطرح می‌شود. وجه مشترک تعاریف حقوقی درباره شهروند، رابطه‌ای است که بین فرد و حکومت وجود دارد. شهروند در مقابل حقوقی که در برابر دولت دارد همزمان تکالیفی نیز بر عهده دارد که موظف به انجام آن‌هاست. حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای انضباط جمعی، دارای گستره فراوانی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. لیکن از آنجاییکه برخلاف برخی کشورهایی که فاقد ثروت‌ها و مواهبی از قبیل نفت و گاز هستند و به همین جهت برخورد دولتمردان با مردم اوصاف دیگری دارد، در کشور ما این‌مردم هستند که همواره در اخذ خدمات باید دست آنان به سوی دولتیان دراز باشد تا بتواند سهم بیشتری از درآمدهای ملی را نصیب خود نمایند. و در همین جاست که رفتار از بالا به پایین و بعضاً حقارت‌گونه، این رویکرد را تلقین نموده که هر جا سخن از حقوق مزبور به میان آید، مراد تعدیل چنین روابطی است. در عین حال نباید فراموش شود که دایره حقوق شهروندی شامل مجموعه حقوق و تکالیفی است که سه ضلع در هم تنیده، یعنی رابطه بین دولت با مردم به مفهومی فراتر از تابعیت، مردم با دولت و نیز مردم با مردم را در بر می‌گیرد و طرفین هر سه ضلع را ملتزم به لحاظ کردن دو اصل حفظ حقوق خود و عدم تجاوز به حقوق دیگران می‌کند، تا زمینه‌ی رشد شخصیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه فراهم و به شکوفایی ظرفیت‌های ملی منجر شود.



از زاویه‌های دیگر، هرگاه سخن از این حقوق به میان می‌آید، به جای اینکه تصویر چند خط عابر پیاده و در نهایت رعایت مقررات راهنمایی رانندگی به ذهن متبادر شود، باید با نگاهی عمیق‌تر، این خط سفید با نشأت گرفتن از اصل احترام به کرامت انسانی به صورت رعایت هنجارها و ارزشهای اخلاقی به امتداد گسترده‌تری کشیده شود. البته از آنجایی که این خط کش، تنظیم‌کننده رفتارهای اعضای جامعه است و با منافع و مصالح افراد هنجارشکن در تعارض می‌باشد و نظام روابط اجتماعی را مختل می‌کند، باید دارای ضمانت اجراء گردد. بنابراین با توجه به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی کنونی، باید گفت که انسان موجودی مدنی‌الطبع است، و در نتیجه در حال حاضر ظهور و بروز حقوق شهروندی نمود بیشتری دارد، و فرصت‌های جدیدی را فراروی جامعه قرار می‌دهد. زیرا ضرورت با هم زیستن، رویکرد و قانون مداری را اقتضا می‌کند و تقویت در حفظ و بازتولید انضباط اجتماعی، به آرامش روانی جامعه کمک شایانی می‌نماید. به طوری که رفتارها و باورهای عمومی را تغییر داده و به عنوان هنجارهای فراگیر در جامعه تعمیم پیدا می‌کند. بدیهی است چنانچه با ارزش‌های مشترک و شیوه زندگی اجتماعی آن هم متناسب با شرایط روز، اخت گرفته شود اعمال قانون در تعاملات روزمره به عادت پیسنجیده تبدیل و رعایت آن دشوار و سخت نمی‌باشد.

